

نوع مقاله: ترویجی

ارزش زیبایی‌شناختی سبک زندگی اسلامی از نگاه صدر المتألهین

کچ احمد محمدی پیرو / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

peyro114@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-7179-9433
m110.havashi@chmail.ir

مریم حواشی / سطح سه جامعه‌الزهرای

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲

چکیده

هدف مقاله حاضر پاسخ به این سؤال است که چگونه زیبایی‌های سبک زندگی اسلامی با نگاه انسان‌شناختی صدر المتألهین تبیین می‌شود؟ برای پاسخ، بعد از توضیح مفاهیم اصلی همچون سبک زندگی و زیبایی، عناصر زیبایی‌شناختی سبک زندگی در انسان‌شناسی بررسی گردید. سپس با توجه به اقسام زیبایی‌حسی، خیالی و عقلی، نسبت حس، خیال و عقل در سبک زندگی و انسان‌شناسی تبیین شد. در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی جایگاه انواع زیبایی‌های سبک زندگی در حیات بشر مشخص گردید. بر پایه بررسی‌های انجام‌شده این نتیجه به‌دست آمد که همواره سعادت حسی و خیالی افراد جامعه، منوط به ادراک صورت‌های ظاهری و تصویرسازی زیباست. بنابراین به سبب لزوم مدارا با دیگران در سبک زندگی اسلامی، آراستگی ظاهری و خیالی بخشی از وظیفه اجتماعی فرد نسبت به دیگران شمرده می‌شود. زیبایی‌های عقلی نیز همان مطلوب‌های فطرت سلیم انسانی هستند. حرکت در مسیر فطرت، روش وصول به مرتبه برتر انسانی یعنی مدرکات عالی عقل نظری است. با حصول چنین مرتبه‌ای سلامت روحی و معنوی انسان تضمین شده و در نتیجه زیبایی‌های عقلانی سبک زندگی که همان مطلوبات فطری انسان هستند، بروز و ظهور می‌یابند. این مرتبه از سبک زندگی، جامع همه زیبایی‌های مراتب پایین‌تر نیز هست.

کلیدواژه‌ها: ارزش، زیبایی‌شناسی، انسان‌شناسی، سبک زندگی، صدر المتألهین.

مقدمه

زندگی اسلامی با نگاه انسان‌شناختی صدرالمآلهین تبیین می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال ضروری است که به چند سؤال فرعی هم پاسخ داده شود: ماهیت سبک زندگی اسلامی چیست؟ زیبایی چیست و اقسام و مراتب آن کدام است؟ در پاسخ به سؤال اصلی نشان داده‌ایم که این سبک از زندگی، علاوه بر ویژگی‌های بارزی نظیر تکیه بر آموزه‌های وحیانی و فرابشری، استدلال‌پذیری و مطابقت با عقل سلیم انسانی، برای نوع بشر زیبا و دوست‌داشتنی است.

۱. سبک زندگی؛ ماهیت و مؤلفه‌ها

اندیشمندان در مورد چیستی سبک زندگی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند. تقابل موجود در میان برخی از آنها مانع از همسان‌سازی آنها در یک تعریف جامع است. به‌عنوان مثال، در نگاه عده‌ای سبک زندگی به مجموعه‌ای منظمی از رفتارهای معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فردی است که آن را ابداع یا انتخاب کرده است. در مقابل، برخی دیگر به‌طور آشکار این نوع تعریف را مردود شمرده (شیدینی پاشاکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳) و سبک زندگی را الگویی هم‌گرا و کلیتی انتزاعی از رفتارها دانسته و عینیت آن با تک‌تک رفتارها را انکار کرده‌اند (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۳، ص ۷۴). از سوی دیگر، برخی اندیشمندان بعد صوری را در تبیین سبک زندگی کافی دانسته و آن را محدود به بعد رفتاری کرده‌اند. آنان گرچه نظام عقیده و عواطف را در شکل‌گیری سبک زندگی توده مردم مؤثر می‌دانند؛ بعد درونی را داخل در ماهیت سبک زندگی نمی‌شمارند و سبک زندگی را آن بخش از هویت انسانی معرفی می‌کنند که جنبه «بیان‌گرانه» و «نمایش‌گرانه» دارد (شریفی، ۱۳۹۴، ص ۳۰-۳۱). این در حالی است که گروهی دیگر توجه به محتوا را در تعریف سبک زندگی ضروری دانسته و آن را مجموعه‌ای منسجمی از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها می‌دانند. آنان با بیانی صریح سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای بیرونی و درونی (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۳، ص ۷۴) و یا به تعبیر دیگر، اعم از صورت و محتوای حیات معرفی می‌کنند (فصیحی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۴۵). از این‌رو در نگاه گروه دوم بینش‌ها و گرایش‌ها به‌عنوان رفتارهای درونی و محتوای حیات، بُعدی از ابعاد سبک زندگی شمرده می‌شوند.

زیبایی این خاصیت را دارد که به چشم تن نیز درمی‌آید و از این‌رو به دیده ما آدمیان با درخششی بیشتر نمایان می‌گردد و ما را بیشتر از دیگر حقایق مسحور و مجذوب می‌سازد (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۲۳۹). یکی از مهم‌ترین راه‌های ترویج سبک زندگی اسلامی نمایش زیبایی‌های شگرف آن در رفتارهای عملی و همچنین در مقام نظریه‌پردازی است. حیثیت زیبایی‌شناختی سبک زندگی اسلامی همواره در رفتارهای بزرگان دینی جلوه‌گر شده و انسان‌های بسیاری را مجذوب خود ساخته است. اما توصیف، تبیین و اثبات آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، زیبایی به جهت تشکیکی بودنش دارای مراتبی از شدت و ضعف است و عموماً نازل‌ترین درجات آن مورد توجه قرار گرفته و لایه‌های پنهان و عمیق آن مغفول واقع می‌شود. بنابراین برای تبیین ارزش زیبایی‌شناختی سبک زندگی اسلامی، هم تبیین مراتب مشهود و هم کشف و ارائه درجات غیبی آن امری ضروری است. چنین پردازشی نیازمند بنیان‌های استوار عقلی بخصوص در جنبه انسان‌شناختی است؛ چراکه زیبایی چه امری عینی باشد و چه امری ذهنی، مرتبط با ادراک انسان است. در این میان، نفس‌شناسی صدرایی از قوت لازم برای ارائه تفسیرهای دقیق از زیبایی‌های سبک زندگی اسلامی برخوردار است. بنابراین سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که چگونه زیبایی‌های سبک زندگی اسلامی با نگاه انسان‌شناختی صدرالمآلهین تبیین می‌شود؟

در نگاشته‌های پیشین برخی از حیثیت‌های این موضوع مورد کنکاش قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال، کتاب *اسلام و زیبایی‌های زندگی* (رجبی‌نیا، ۱۳۹۶) به‌صورت اختصاصی به مسئله زیبایی و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی پرداخته است.

همچنین مقاله «بازسازی دیدگاه ملاصدرا درباره زیبایی و هنرآفرینی» (اکبری، ۱۳۹۲)، موقعیت و جایگاه زیبایی را در انسان‌شناسی صدرایی مورد بحث و بررسی قرار داده است. این آثار و مشابه آنها نقش زیبایی و آراستگی را در سبک زندگی به تصویر کشیده‌اند؛ اما هیچ‌یک، از زیبایی‌های خود سبک زندگی اسلامی بحث نکرده‌اند. این مقاله در پی آن است که با نگاهی بیرونی و مبتنی بر انسان‌شناسی صدرایی سبک زندگی اسلامی را به‌مثابه یک کل نگریسته و به این سؤال پاسخ دهد که چگونه زیبایی‌های سبک

در نوشتار حاضر سبک زندگی مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی در همه حوزه‌های زندگی انسان است که بر مبنای باورها، تمایلات، ترجیحات و متأثر از محیط جغرافیایی و اجتماعی او شکل می‌گیرد. بر پایه این تعریف برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی قابل شناسایی است که از مهم‌ترین آنها جنبه زیبایی‌شناسانه آن است؛ چراکه زیبایی را هرگونه تعریف کنیم، با نظم و تناسب رابطه ناگسستی داشته و با آن شناخته می‌شود. به عنوان مثال، آراستگی ظاهر افراد و چیدمان منزل زمانی زیبا شمرده می‌شوند که تناسب‌ها در کمیت، کیفیت و جایگاه هریک از اجزاء مراعات شود.

۲. چیستی زیبایی

زیبایی یکی از مفاهیمی است که اگرچه در میان عموم مردم قابل درک و نیز پر کاربرد است؛ لکن در میان بسیاری از اندیشمندان تعریف آن امری ناممکن یا دست‌کم مشکل، تلقی شده است. به عنوان مثال، شهید مطهری زیبایی را از مفاهیمی می‌شمارد که درک می‌شوند، درحالی که وصف‌پذیر نیستند (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۴۵۲؛ ج ۱۶، ص ۳۵۸). در میان اندیشمندان غربی نیز نیوتن از کسانی است که زیبایی را تعریف‌ناپذیر و نیز غیرقابل اندازه‌گیری شمرده است (رجبی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۱ به نقل از: نیوتن). عده‌ای از کسانی که تعریف حقیقی و منطقی از زیبایی را ناممکن تلقی می‌کنند، برای تبیین مفهوم زیبایی به سراغ ملاک‌های زیبایی رفته‌اند. در میان این گروه، برخی معتقدند که هیچ ملاک واحدی برای زیبایی وجود ندارد و از این جهت زیبایی امری کاملاً نسبی است. به نظر می‌رسد مفهوم سلیقه که دخالتی جسورانه در جنبه‌های زیبایی سبک زندگی دارد، از همین جا نشئت یافته است. در مقابل، عده بسیاری اموری نظیر تناسب و توازن اجزا و یا تناسب با ذات و کمال شیء را به عنوان ملاک زیبایی شمرده‌اند (رجبی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۴۶-۶۲). به عنوان مثال از منظر ارسطو «زیبا چیزی است که هم خیر است و هم (چون خیر است) لذت‌بخش است» (ارسطو، ۱۳۹۲، ص ۸۷). از طرف دیگر او در تعریف لذت می‌نویسد: «لذت نوعی حرکت نفس است؛ حرکتی که نفس با آن به‌طور کامل و محسوس به حالت طبیعی باز می‌گردد» (همان، ص ۱۰۴). از این دو عبارت فهمیده می‌شود که از نگاه این فیلسوف یکی از مشخصه‌های زیبایی بازگرداندن مدرک به حالت طبیعی اوست.

علامه جعفری زیبایی هر شیء را متناسب با کمال آن می‌داند و معتقد است که «زیبایی نمودی است نگارین و شفاف که بر روی کمال کشیده شده و کمال عبارت است از فرار گرفتن یک موضوع در مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های مربوط به خود» (رجبی‌نیا، داود، ۱۳۹۶، ص ۵۱، به نقل از: علامه جعفری). در این نوشتار، زیبایی عبارت است از توازن، هماهنگی، ملائمت و تناسب هر چیز با کمال مطلوب آن (رجبی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

۳. زیبایی؛ اقسام و مراتب

بر اساس تفاوت در مراتب مدرک‌های زیبایی و در نتیجه اختلاف در کمال مطلوب آنها، برای زیبایی نیز اقسامی شمرده شده است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۵۲۸-۵۳۴). طبق این مبنا، زیبایی ابتدا به حسی و غیرحسی تقسیم شده و با تقسیمی ثانوی، زیبایی‌های غیرحسی به دو نوع خیالی و عقلی منقسم می‌گردند:

۱. زیبایی ظاهری و محسوس: زیبایی ظاهری نوعی از زیبایی است که به وسیله حواس پنج‌گانه ادراک می‌شود. این نوع زیبایی از منظر حواس ظاهری مطلوب بوده و متناسب با کمال آنهاست. به عنوان مثال، بوی خوش و صدای زیبا نه تنها باعث آزار و آسیب به قوه بویایی و شنوایی نمی‌شود؛ بلکه ملائم با طبع این دو است. در سبک زندگی اسلامی استفاده از زینت‌های محسوس، نظیر استعمال بوی خوش، پیرایش سر و صورت و استفاده از سرمه، حنا و انگشتر مطلوب شمرده شده و در مقابل مؤمنان از استفاده از سبزیجات بدبو مثل سیر، پیاز و تره، پیش از ملاقات باید دیگر نهی شده‌اند (صدوق، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۵۸). در میان منابع اسلامی علاوه بر کتبی مانند *حلیه‌المتقین* که به شرح آراستگی در اسلام پرداختند، در برخی کتب حدیثی، همچون *اصول کافی* و *وسائل‌الشیعه* نیز بای جدآگانه با موضوع زینت و آراستگی آمده است که خود، نشانگر اهمیت این مسئله در سبک زندگی اسلامی است.

۲. زیبایی‌های خیالی: زیبایی برخی صورت‌های ذهنی را که توسط قوه خیال ادراک شده و متناسب با کمال این قوه است، زیبایی خیالی می‌گویند. زیبایی برخی از انواع هنر، زیبایی موسیقایی یک شعر یا یک متن ادبی که محتوای غنی دارد از این نوع است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۲، ص ۵۲۹-۵۳۰).

بی‌شک کلمات و عبارات‌ها یکی از راه‌های انتقال صورت‌های

مغایرتی نخواهد داشت. این مسئله در فرهنگ جهاد و شهادت که از زیبایی‌های عقلی سبک زندگی اسلامی است، به خوبی مشهود است. در میدان جهاد اگرچه غالباً زیبایی‌های محسوس، کمتر دیده می‌شود و در مقابل صدهای بلند و یا آسیب‌های جسمانی از موارد نازیبای حسی به‌شمار می‌رود و همچنین نازیبایی‌های خیالی مثل عبارات و لحن‌های نامناسب و یا حتی تصور از دست دادن عزیزان در چنین موقعیت‌هایی معمول است؛ اما چون با کمال فرد و جامعه متناسب و همگون است، از انواع زیبایی عقلی به حساب می‌آید؛ چنان‌که عموم مردم هم براساس فطرت مشترک خویش، دفاع و جانفشانی در راه سعادت فرد و جامعه را زیبا تلقی می‌کنند. این مسئله در بیان حضرت زینب کبری[ؓ] بعد از ماجرای کربلا در کاخ یزید مشهود است؛ چراکه از منظر این بانوی بزرگ اسلام تمام وقایع و تلخ‌کامی‌های روز عاشورا چیزی جز زیبایی نیست.

۴. سازه‌های زیبایی‌شناختی سبک زندگی در انسان‌شناسی صدرایی

برخی عناصر مطرح‌شده در انسان‌شناسی صدرایی این قابلیت را دارند که عامل ترسیم‌کننده و سازنده زیبایی‌های سبک زندگی اسلامی به شمار آیند. یکی از این عناصر سعادت نفس از منظر صدرالمتألهین است. صدرالمتألهین سعادت هر قوه از نفس را در ادراک امور ملائیم با آن تعریف می‌کند (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳). از منظر او سعادت هر چیز عبارت است از ادراک آن چیزی که ملائیم و سازگار با ذات و متناسب با طبع اوست (همان، ص ۱۶۳).

قربان معنایی سعادت و زیبایی، حاکی از یکسان‌بودن احکام این دو است. بنابراین چپستی، ابعاد و اهمیت سعادت نفس و همچنین راهکارهای صدرالمتألهین برای وصول به آن، در حقیقت جایگاه و چگونگی تحقق زیبایی را در حیات انسان نشان می‌دهد.

در حکمت صدرایی انسان وجود واحدی است که ظرفیت وجودی ویژه‌ای در عالم هستی دارد. امتداد وجودی خاص انسان، به او این قابلیت را می‌دهد که در عوالم سه‌گانه هستی، یعنی عالم طبیعت، مثال و عقل حضور داشته باشد. درجات بی‌نهایت سیر وجودی انسان براساس درجات عالم هستی و همچنین درجات ادراکی او به سه مرتبه حسی یا طبیعی، نفسی یا خیالی و قدسی یا عقلی تقسیم می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۶۲؛ همو، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۱۴).

ذهنی و راه غالب آن است. بر همین اساس استفاده از کلمات زیبا و عبارات آهنگین و متناسب در بیان مقصود یکی از بهترین راه‌های نمایاندن زیبایی‌های خیالی است. زیبایی کلمه در صدا یا مدلول آن نهفته است؛ چنان‌که زشتی آن هم در همین امور است (ارسطو، ۱۹۸۰، ص ۱۹۹-۲۰۰). زیبایی در صدا به این است که دارای وزن باشد؛ یعنی با آهنگین کردن کلام و با به‌کارگیری الفاظ متناظر، سخنی موزون صادر شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۷ق، ص ۲۲۵). زیبایی کلمه از حیث مدلول به این است که رساتر و شبیه‌تر به مدلول خود باشد؛ یعنی بیشتر بتواند مدلول خود را در برابر چشمان ما مجسم کند. زیبایی از حیث مدلول از اموری همچون تصغیر، تشبیه، مجاز و استعاره ناشی می‌شود (ارسطو، ۱۹۸۰، ص ۲۰۰). به همین جهت، در سیره بزرگان دین، استفاده از کلام فصیح و بلیغ با عبارات مسجع و موزون، به‌وفور موجود است و با توجه به اسوه و الگو بودن ایشان برای مؤمنان می‌توان جایگاه و اهمیت زیبایی‌های خیالی در سبک زندگی اسلامی را نتیجه گرفت. همچنین امیرمؤمنان[ؑ]، استفاده از سخنان زیبا و حکمت‌آمیز را به‌عنوان درمان خستگی روح معرفی می‌کنند (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲، حکمت ۹۱ و ۱۹۷).

۳. زیبایی عقلی: نوع دیگری از زیبایی غیرحسی که توسط عقل ادراک می‌شود، زیبایی عقلی نام دارد. منظور از عقل در این بحث نوعی حس باطنی است که برخی رفتارها را با توجه به ذات آنها و نه در نظر گرفتن منفعت یا آیین و مسلک خاص تأیید و تحسین می‌کند (فصیحی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۸۴). براساس این نوع از زیبایی که متکلمان از آن به حسن عقلی تعبیر می‌کنند؛ رفتارهایی مثل امانت‌داری، مروت، حیا، بخشش و هم‌دلی، در نظر انسان‌ها، رفتارهایی زیبا و قابل تحسین و در مقابل، بی‌بندوباری، دروغ، خیانت، شهوت‌پرستی و ستم، قبیح و نازیبا شمرده می‌شوند. اسلام این حس باطنی که قادر است حسن و قبح افعال را تشخیص دهد، فطرت نامیده و به‌عنوان هادی و راهنمای بشر برای رسیدن به کمال مطلوب او معرفی کرده است.

مسئله مهم در مورد انواع زیبایی این است که زیبایی عقلی بر زیبایی حسی و خیالی اولویت دارد. بر این اساس اگر رفتاری منجر به کمال انسان و جامعه انسانی شود، حتی اگر فاقد زیبایی حسی و خیالی باشد؛ چون نوع بالاتری از زیبایی را داراست، همچنان زیباست و انجام آن با اصل زیبایی و آراستگی در سبک زندگی اسلامی

متأثر شود (صدر المتألهین، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۶۲). در این مرتبه آنچه حقیقتاً توسط حواس باطنی مورد ادراک قرار می‌گیرد، مدرکات مثالی است (صدر المتألهین، ۱۳۵۴، ص ۳۵۰) که توسط نفس ایجاد می‌شوند (سهروردی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۳۱۲) و نسبت به مدرکات طبیعی، واجد شدت وجودی بیشتری هستند. از آنجاکه وجود مساوق اثربخشی است؛ اشتداد وجودی بیشتر ادراکات خیالی نسبت به ادراکات حسی تأثیرگذاری بیشتری بر نفس دارد و تلائم این مدرکات با نفس، مرتبه بالاتری از سعادت و زیبایی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

صور خیالی از دو راه برای نفس انسانی حاصل می‌شوند (صدر المتألهین، ۱۳۵۴، ص ۴۷۰؛ همو، ۱۳۶۰، ص ۲۳۱ و ۲۳۲). گاهی حصول این صور منوط به انجام و تکرار ادراکات حسی (صدر المتألهین، ۱۳۴۱، ص ۲۴۸) و یا ادراکات منسوب به قوه واهمه و دخل و تصرف در آنهاست. در این حالت صور حسی علت معد و زمینه‌ساز ادراکات خیالی نفس هستند (صدر المتألهین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۱۳). به سبب این ارتباط، صور حاصله ضعیف هستند و ممکن است از خطاهای ادراکات حسی و یا دخل و تصرفات قوه متخیله (صدر المتألهین، ۱۳۶۰، ص ۲۳۲) متأثر شده و در نتیجه غیرواقعی و یا شیطانی باشند (صدر المتألهین، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳؛ همو، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۰۲). در درجه‌ای بالاتر، صور خیالی در اثر اتصال نفس به عالم مثال و دریافت اشراقات ملکوتی حاصل می‌گردند؛ در این صورت نفس پس از اتصال با عالم مثال، بدون دخالت ماده می‌تواند صور مثالی را به واسطه حواس باطنی ادراک کند. در این مرتبه، نفس علاوه بر مدرکات حواس باطنی، مدرکات حواس ظاهری را نیز در اثر اتصال با عالم مثال، در ذات خود و بدون نیاز به برقراری وضع خاص میان بدن و مدرک، می‌یابد (صدر المتألهین، ۱۳۵۴، ص ۴۷۰). در مرتبه خیال منفصل یا همان عالم برزخ، تجمل و حسن صورت مثالی فرد با کسب فضائل و ملکات اخلاقی حاصل می‌گردد (صدر المتألهین، ۱۳۶۳، ص ۲۱۳). این امر نیز یکی دیگر از وجوه زیبایی‌شناختی سبک زندگی اسلامی را نشان می‌دهد.

سعادت نفس در مرتبه خیالی در ادراک و ایجاد صور مثالی زیبا و سازگار با مرتبه خیالی انسان است. با اینکه سعادت حقیقی انسان در استکمال قوه ناطقه و ادراک کلیات است؛ اما در عمل، برخی نفوس اگرچه شقی نیستند، به این مرتبه نیز نمی‌رسند. صدر المتألهین این

۱. مرتبه حس: اولین و پایین‌ترین مرتبه از حیات نفس، مرتبه طبیعی است که با تکامل ماده و از طریق حدوث جسمانی نفس آغاز می‌شود. مقصود از انسان طبیعی، مرتبه ضعیف نفس انسانی است که تأثیرگذاری او محدود به نازل‌ترین مرتبه عالم، یعنی عالم طبیعت است (صدر المتألهین، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۹-۱۳۸؛ همو، ۱۳۷۵، ص ۳۷۴). نفس در این مرتبه برای ادراکات و افعال خود بیشترین وابستگی و ارتباط را با بدن دارد (صدر المتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۰۴-۱۰۵)؛ و ادراک او جز با قوای حس ظاهری، ممکن نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۸، جزء اول، ص ۳۲۹). از نظر صدر المتألهین مدرک حقیقی نفس در مرتبه طبیعی، نه وجود خارجی اشیاء (صدر المتألهین، ۱۳۴۱، ص ۲۴۸)، بلکه صورتی از آنهاست که در صورت وجود برخی شرایط (نظیر سلامت حواس و برقراری وضع خاص میان با مدرک)، در ذات انسان ایجاد می‌شود (صدر المتألهین، ۱۳۷۵، ص ۳۰۸). از این رو براساس تعریف صدر المتألهین از حس و چگونگی تحقق ادراک حسی می‌توان اذعان کرد که از منظر این اندیشمند، سعادت نفس در مرتبه حس، تنها در گرو ادراک امور ملائم و سازگار با حواس پنج‌گانه نیست؛ بلکه لازم است صورتی از محسوس که در ذات نفس ایجاد می‌شود نیز زیبا و ملائم با طبع نفس طبیعی باشد.

با این حال از نگاه صدر المتألهین برای انسانی که قابلیت وصول به مرتبه عقل را داراست، دستیابی به لذایذ حسی و اکتفا به آنها نه تنها نوعی سعادت نیست (صدر المتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۵۱)؛ بلکه یکی از انواع شقاوت و نشانه سقوط نفس انسانی از جایگاه حقیقی اوست. از نگاه این فیلسوف برجسته استفاده از حواس ظاهری و ادراک لذایذ حسی، اگرچه برای دستیابی به ادراکات خیالی، مقدمه ای لازم و ضروری است؛ لکن ادامه این وابستگی، می‌تواند یکی از موانع جدی بر سر راه سعادت حقیقی انسان، یعنی دستیابی به مرتبه عقل باشد (صدر المتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۶).

۲. دومین مرتبه از مراتب حیات نفس، خیال است. قوه خیال یکی از انواع قوای باطنی نفس حیوانی است که حافظ صور جزئی است. نفس در مرتبه این قوه، پس از اینکه صور طبیعی را با حواس ظاهری ادراک کرد، این قابلیت را می‌یابد که توسط حواس باطنی این صور را در ذات خود حفظ کرده (صدر المتألهین، ۱۳۷۸، ص ۲۴۳؛ همو، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۹۰) و بدون نیاز به ارتباط با عالم طبیعت، آنها را در نزد خود حاضر کند؛ بر آنها اثر بگذارد و یا از آنها

۶۷۳). صدرالمتألهین در مقام تمثیل، عقل نظری و عقل عملی را دو بال برای صعود و استکمال شایسته نفس انسانی می‌شمارد:

«فإن النفس بمنزلة طير سماوي له أجنحة و ريش فالجناحان هما القوتان العلمية و العملية و الرياش لكل من الجناحين هي القوى و الفروع لها» (صدرالمتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۷۷)؛ نفس انسانی، مانند پرنده‌ای آسمانی است که بال‌ها و پرهایی برای اوست. دو بال او دو قوه علمی (عقل نظری) و عملی (عقل عملی) است و پرهایی هر کدام از این دو بال سایر قوا و فروع آنهاست.

همچنین گفته شده دو قوه نفس ناطقه اساساً متمایز از یکدیگر نیستند؛ یا به عبارت دیگر عقل نظری و عقل عملی دو جنبه متفاوت از یک حقیقت هستند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۵۱۵). از این رو پس از وصول عقل عملی و همچنین عقل نظری به آخرین مرتبه کمالی خویش، این دو قوه با یکدیگر متحد شده، تمایزی میان کمال در مرتبه این قوا باقی نمی‌ماند (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۲۸۵). با توجه به این مسئله، سعادت حقیقی نفس ناطقه در گرو کمال هردوی این قواست. کمال این دو قوه به اتحاد نفس، با عقل فعال و فنا در ذات باری تعالی می‌انجامد. در این حالت بقای انسان به بقای الهی خواهد بود و در حقیقت وجودی جاودانه و سعادت بی‌انتهای می‌یابد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۴۱۷).

اشتداد وجودی متفاوت نفس در این مراتب سه‌گانه موجب تشکیکی بودن لذات و سعادت انسان خواهد شد. لذت حاصله از ادراک ملائم در قوای عالی نفس از چنین لذتی در قوای نازل شدیدتر است و در مقابل، هر قدر مرتبه وجودی نفس شدیدتر باشد، آلام حاصله از ادراک منافز نیز شدیدتر خواهد بود. بر این اساس متناسب با درجات وجودی نفس، سعادت او نیز ذومراتب خواهد بود و می‌تواند حسی، خیالی یا عقلی باشد (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳).

با وجود مطالب پیشین، ممکن است این مسئله مطرح شود که آیا از منظر صدرالمتألهین سعادت و بالتبع، سلیقه زیباشناختی در سبک زندگی امری نسبی است؟ به عبارت دیگر، اگر هریک از افراد انسان متناسب با مرتبه و جایگاهی که دارند امور مختلف را زیبا یا زشت تلقی کنند، ممکن است امری خاص برای یکی از نفوس انسانی (مثلاً برای نفس حیوانی) زیبا و مطلوب باشد؛ درحالی‌که همان امر برای نفوسی که در مرتبه‌ای دیگر هستند (مثلاً نفوس ناطقه) از عوامل شقاوت و به عبارت دیگر نازیبا باشد؛ در این صورت

نفوس را که به مرتبه پایینی از سعادت دست یافته‌اند، نفوس متوسط، صالحین یا اصحاب یمین تعبیر می‌کند. نفوس متوسط کسانی هستند که اگرچه به درجه ادراک عقلی نرسیده‌اند؛ ولی در مقام عمل از باب تقلید یا مانند آن رفتار و سلوک مناسبی دارند. به سبب مداومت در اعمال صالح، ملکات نیکو در این نفوس شکل می‌گیرد و در نتیجه صورت‌های مثالی زیبایی در عالم خیال منفصل خواهند داشت. بهشت این گروه از سعادت بهشتی محسوس است که در آن، صورت‌های خیالی حاصل از اعمال خویش را مشاهده می‌کنند و از آن لذت می‌برند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۹۴).

۳. برترین مرتبه حیات انسان، حیات عقلی است که تنها گروه اندکی با عبور از مرتبه خیالی به آن دست می‌یابند. براساس آموزه‌های حکمت صدرایی هر کدام از انواع حاضر در عالم طبیعت یک صورت کلی در عالم عقل دارند (سهروردی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۲۹) که علت تحقق آنهاست و نسبت به آنها سیطره وجودی دارد. انسان در مرتبه عقل به وسیله ادراک این صور با آنها متحد شده (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۵۰۶؛ همو، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۳۳) و از این طریق نسبت به تمام اجزاء عوالم مادون، اشراف می‌یابد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۰۰؛ همو، ۱۳۷۵ ب، ص ۳۰۸).

از میان قوای نفس، قوه‌ای که شدت وجودی بیش‌تری دارد، قوای خاص نفس ناطقه، اعم از عقل نظری و عقل عملی است از این رو تنها راه سعادت حقیقی انسان در دستیابی به کمال این دو قوه است. کمال قوه عامله، تسلط بر بدن و قوای حیوانی و تدبیر آنها بر حسب حکم عقل نظری است؛ درحالی‌که کمال قوه عالمه، ذکر و تأثر دائم از مفارقات است، تا ملکه اتصال برایش حاصل گردد (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۰-۱۳۱). به همین دلیل صدرالمتألهین قوای عالمه یا همان عقل نظری را برتر از قوای عامله می‌داند و کمال انسان را در عقل نظری برتر از کمال وی در عقل عملی می‌شمارد. باین حال از منظر او، کمال و سعادت نهایی انسان زمانی محقق می‌گردد که وی رشد و کمال در قوه عالمه را با رشد و پیشرفت در مراتب عقل عملی همراه سازد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۷۷) و یا به بیان بهتر، کمال و رشد در عقل نظری و دریافت فیض از عقل فعال و در نهایت اتحاد با او، جز با سیر و سلوک در عقل عملی و تهذیب باطن ممکن نخواهد بود (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۳۱؛ همو، ۱۳۷۵ الف، ج ۲، ص

زیبایی و سعادت امری نسبی خواهد بود.

برای پاسخ به این مسئله توجه به حقیقت نفس انسانی و کمال انسانی او کارگشاست. از آنجاکه فصل و وجه تمایز انسان از سایر موجودات قوای ناطقه است؛ سعادت حقیقی انسان در گرو کمال او در مرتبه نفس ناطقه و به عبارت دیگر کمال در ادراکات عقل نظری و عقل عملی و در نهایت اتحاد با مفارقات عقلی است (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴، ص ۳۶۱). بنابراین مرتبه سعادت نفس ناطقه از سعادت نفس در مرتبه حیوانی و یا نباتی برتر است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۲) و لذت تلائم ادراکات عقلی با نفس انسانی به سبب کمال، شدت، ضرورت و دوامی که دارد، از لذت ادراکات خیالی و حسی که ملازم نقص، ضعف، تاریکی و زوال اند، برتر است (صدرالمتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۵۰؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۶۳). چه بسا انسانی که به مرتبه ادراک عقلی رسیده، نسبت به لذایذ حسی و خیالی بی توجه باشد؛ مانند فردی که غرق در مطالعه و لذایذ علمی است و متوجه طعام لذیذی که در کنار او قرار می‌گیرد، نباشد (صدرالمتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۵۱).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با اینکه عوامل سعادت در هر مرتبه از نفس، زیبا نیز شمرده می‌شود، آنچه در مجموع برای انسان از این جهت که واجد و دست‌کم مستعد پذیرش نفس ناطقه است زیبایی حقیقی به‌شمار می‌آید، همان سعادت عقلی اوست. همچنین سایر لذت‌ها و امور ملائم با طبع مراتب پایین‌تر انسان، تنها زمانی زیبا و ارزشمند هستند که در مسیر سعادت نفس ناطقه، زمینه‌ساز وصول به این مرتبه باشند. سعادت نفس ناطقه، جامع همه زیبایی‌هایی است که هر انسانی در جست‌وجوی آن است و وصول به هر مرتبه‌ای جز این، برای انسانی که قابلیت چنین کمالی را دارد، در حقیقت، شقاوت و نازیباست. پس از این مرتبه، جمال و سعادت در مرتبه خیال از این جهت که شدت وجودی بیشتری نسبت به مرتبه حسی دارد، از زیبایی‌های حسی مهم‌تر و ضروری‌تر است.

۵. تبیین نسبت حس، خیال و عقل در سبک زندگی و انسان‌شناسی

از یک سو زیبایی‌ها در سبک زندگی در سه نوع حسی، خیالی و عقلی مطرح می‌شود و از سوی دیگر صدرالمتألهین سعادت نفس ناطقه را با توجه به مراتب سه‌گانه انسان، حسی، خیالی و عقلی می‌شمارد. در

اینجا این مسئله قابل طرح است که چه نسبتی میان سه مفهوم حس، خیال و عقل در بحث زیبایی‌شناختی و انسان‌شناسی وجود دارد؟ همچنین آراستگی حسی، خیالی و عقلی سبک زندگی اسلامی در علم‌النفس صدرایی چه جایگاهی دارد و چگونه قابل دستیابی است؟ برای پاسخ به سؤال اول، بررسی حوزه معنایی هریک از مفاهیم حس خیال و عقل بعد زیبایی‌شناختی سبک زندگی ضروری است. به نظر می‌رسد مفهوم حس در این دو بحث به یک معنا به کار رفته و همان حواس پنج‌گانه ظاهری است؛ با این تفاوت که در فلسفه، صورت‌های حسی پس از قطع ارتباط عضو حاسه با محسوس، محسوس باطنی به‌شمار می‌روند؛ ولی در اصطلاح به کار رفته در سبک زندگی، این موارد همچنان از امور محسوس شمرده می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت حس در فلسفه، اخص از حس در اصطلاح منتخب از زیبایی‌شناسی است.

در مورد خیال، جریان کمی متفاوت است؛ مقصود از زیبایی‌های خیالی صورت‌های ذهنی زیباست که با حواس ظاهری درک نمی‌شوند. ولی در فلسفه، قوه خیال یا همان صور موجود در خیال متصل، بیش از این موارد است. صور مدرکه توسط خیال عبارتند از: مدرکات ضبط شده حس مشترک (خیال)، مدرکات ساخته شده و یا تغییر شکل داده توسط متخیله و صورت‌هایی که قوه خیال با ارتباط با عالم مثال آنها را مشاهده می‌کند، یا به عبارت بهتر به او افاضه می‌شود (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴، ص ۴۷۰؛ همو، ۱۳۶۰، ص ۲۳۱ و ۲۳۲). بنابراین به نظر می‌رسد مدرکات خیالی در فلسفه اعم از مصادیق این اصطلاح، در بحث زیبایی‌شناسی است.

همچنین به نظر می‌رسد در سبک زندگی اسلامی، آنچه به‌عنوان زیبایی عقلی مطرح شده، همان مطلوبات فطری انسان است. صدرالمتألهین از این فطرت با عنوان فطرت اولی یاد می‌کند و آن را چنین تبیین می‌کند: «فطرت اولی هر هیئتی برای انسان (از این جهت که انسان است و دارای جوهر نطقی) است که در صورت سلامت و عدم بیماری روح، آن را می‌پذیرد» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۲۰۱). در حقیقت فطرت اولی همان خصائصی است که خداوند در نوع خلقت انسان مقرر داشته است (همان، ص ۲۰۱) (فَطَّرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَّرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (روم: ۳۰).

در مقابل، آنچه در علم‌النفس صدرایی پس از وصول نفس به مرتبه عقل بالفعل و مستفاد به عنوان مرتبه عقل از آن یاد می‌شود، در

می گذارند. بنا بر نظر برخی اندیشمندان علل معده اگرچه نسبت به معلول خود تنها زمینه ساز هستند؛ اما نسبت به نفس استعداد و قابلیت پذیرش، علت حقیقی به شمار می‌روند (شیروانی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۹). بنابراین قابلیت ساخت صورت‌های زیبا و مطبوع توسط انسان، تا حد زیادی منوط به ادراک محسوسات زیباست. از سوی دیگر ادراک محسوسات زیبا و یا کیفیت تصویرسازی آنها (خیال پردازی)، بر نحوه ذخیره سازی آنها در خیال و تصرفات متخیله بر آنها اثرگذار است. از این رو آراستگی و زیبایی حس و خیال در حیات بشر اهمیت می‌یابد. بنابراین از آنجاکه نفس انسانی حدوث جسمانی دارد و حیات او از مرتبه جسم آغاز می‌شود، ادراک زیبایی‌های محسوس، سعادت نفس در این مرتبه و به نوعی مقدمه برای حرکت به سمت مراتب عالی وجود و سعادت در آن مراتب است.

در صورت پذیرش پاسخ فوق، ممکن است این سؤال مطرح شود که اگرچه این آراستگی در مراتب اولیه حیات قابل قبول است؛ اما پس از وصول به مراتب بالاتر، یعنی زمانی که انسان برای دریافت صورت‌های خیالی خود به عالم مثال رجوع کند و برتر از آن به مرتبه عقل برسد، زیبایی حسی چه جایگاهی خواهد داشت؟

براساس آموزه‌های حکمت صدرایی از آنجاکه نوع انسانی منحصر در شخص نیست؛ او ذاتاً موجودی اجتماعی است. از این رو انزوا و گوشه‌نشینی، مناسب طبع او نیست (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴، ص ۴۸۷-۴۸۸). براساس این ویژگی ذاتی و همچنین نیازمندی او به دیگران در رفع نیازهای روزمره (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۷۸) حیات اجتماعی و زیستن در کنار سایر انسان‌ها برای او امری ضروری و لازم است. در حیات اجتماعی، هرگز چنین نیست که همه انسان‌ها در مراتب عالی حیات سیر کنند؛ در عالم واقع ایشان از این جهت که سن و سیر حرکتی واحدی ندارند، هیچ‌گاه در مرتبه وجودی یکسانی نیستند. به عبارت دیگر همواره در جوامع، مراتب مختلفی از حیات حسی، خیالی و عقلی در میان انسان‌ها وجود دارد. از این رو همواره سعادت حسی و خیالی دست کم بخشی از افراد جامعه، منوط به ادراک صورت‌های ظاهری و تصویرسازی زیباست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به سبب لزوم مدارا با دیگران در سبک زندگی اسلامی، آراستگی ظاهری و خیالی بخشی از وظیفه اجتماعی فرد نسبت به دیگران شمرده می‌شود و از این جهت نیز اهمیت و ضرورت می‌یابد.

عبارات صدرالمتألهین فطرت ثانی انسان شمرده شده است. فطرتی که انسان پس از اشتداد در وجود و در اثر اتحاد با علوم الهی و قدسی واجد آن شده و در چنین مقامی مجرد تام است (صدرالمتألهین، ۱۳۵۴، ص ۸). بنابراین به‌طور خلاصه عقل در اصطلاح زیبایی‌شناختی همان فطرت و ذات انسانی انسان است؛ درحالی‌که عقل در اصطلاح فلسفه، قوه مدرک معانی کلی در عالم عقول است.

۶. جایگاه زیبایی‌های حسی، خیالی و عقلی سبک زندگی در حیات انسان

همچنان‌که بیان شد، قرابت معنایی سعادت در انسان شناسی صدرایی با زیبایی و آراستگی در سبک زندگی تا حد زیادی موقعیت و اهمیت این اصل کنشی را در حیات بشر براساس مبانی علم‌النفس صدرایی تبیین می‌کند. باین حال در این زمینه مسائلی مطرح است که پرداختن به آنها ضروری به‌نظر می‌رسد.

مرتبه اول و دوم زیبایی و آراستگی، زیبایی حسی و خیالی است. ادراک ملائمت در این دو مرتبه، سعادت انسان در مرتبه حس و خیال را موجب می‌شود. از منظر صدرالمتألهین ادراک حسی و بخش قابل‌توجهی از ادراکات خیالی (سهروردی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۳۱۲) درحقیقت انشئات نفس هستند (همان، ص ۴۱۴)؛ و به‌عبارتی ارتباط علی حقیقی با محسوسات و موجودات عالم خارج ندارند. یکی از آثار چنین نگرشی این است که انسان حتی در شرایط نامطلوب حسی و عوامل نامطبوع و ناملازم خیالی نیز می‌تواند صورت‌های زیبایی در ذهن خود یا به‌عبارتی در عالم خیال متصل بسازد و نگه دارد. بر این اساس شاید به‌نظر برسد که زیبایی و آراستگی خارجی یک شیء، اثری بر ادراک حسی و یا خیالی زیبایی ندارد. بنابراین این مسئله قابل طرح است که سعادت حسی و خیالی بشر چه ارتباطی با ظواهر عالم ماده و یا نحوه انتقال صورت‌های ذهنی (خیالی) دارد؟

همچنان‌که بیان شد از نگاه صدرالمتألهین دست کم در مراتب اولیه حیات، دریافت صورت‌های حسی منوط به وجود شرایطی نظیر سلامت حواس و یا برقراری وضع خاص میان اندام‌های حسی و محسوس است (صدرالمتألهین، ۱۳۴۱، ص ۲۴۸). از این مطلب می‌توان این موضوع را دریافت که اگرچه محسوسات خارجی علت حقیقی دریافت‌های ذهنی نیستند؛ لکن علت معده به‌شمار می‌روند (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۷۹) و از این رو بر محسوسات اثر

نتیجه‌گیری

زیبایی عبارت است از تناسب هر چیز با کمال شایسته آن، که براساس تفاوت مدرکات انسان، سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی برای آن وجود دارد. از سوی دیگر، سعادت در علم‌النفس صدر المتألهین مترادف زیبایی و به معنای ادراک امور ماییم و سازگار با ذات و طبع است. به سبب مراتب سه‌گانه استکمال نفس انسانی، سعادت او سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی را داراست. از میان این مراتب آنچه برای انسان از این جهت که مستعد پذیرش نفس ناطقه است، سعادت حقیقی به حساب می‌آید، سعادت و زیبایی‌های عقلی است. در عین حال، ادراک زیبایی‌های حسی و خیالی به نوبه خود می‌تواند، زمینه‌ساز فهم زیبایی‌های عقلانی باشد. به همین جهت، رعایت زیبایی‌های حسی در سبک زندگی اسلامی از یک سو مقدمه وصول انسان به مراتب بالای سعادت و از سوی دیگر از لوازم زندگی اجتماعی و از مسئولیت‌های بشر نسبت به سایر هم‌نوعان به شمار می‌رود. همچنین زیبایی‌های عقلی یا عمل براساس فطرت سلیم انسانی نفس، در استکمال انسانی و وصول او به سعادت عقلی جایگاه ویژه‌ای دارد.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۹۲، ترجمه محمد دشتی، تهران، پیام عدالت.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۷ق، «الخطابه»، در: *الشفاء المنطق*، مقدمه ابراهیم مدکور، تحقیق محمد سلیم سالم، قاهره، وزارة التربية و التعليم.
- ارسطو، ۱۳۹۲، *خطابه*، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، هرمس.
- ، ۱۹۸۰م، *الخطابة لأرسطو*، ترجمه عبدالرحمن بدوی، عراق، دار الرشید.
- افلاطون، ۱۳۸۰، *دوره کامل آثار افلاطون*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی.
- اکبری، رضا، ۱۳۹۲، «بازسازی دیدگاه ملاصدرا درباره زیبایی و هنر آفرینی»، *فلسفه و کلام اسلامی*، ش ۲، ص ۲۱-۴۰.
- رجبی‌نیا، داود، ۱۳۹۶، *اسلام و زیبایی‌های زندگی: رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رضائزاد، غلامحسین، ۱۳۸۷، *مشاهد الالهیه یا شرح کبیر بر الشواهد الربوبیه صدر المتألهین شیرازی*، قم، آیت اشراق.
- سهروردی، شهاب‌الدین، ۱۳۹۲، *حکمة الاشراق*، شرح قطب‌الدین شیرازی و محمودین مسعود، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- شیدینی پاشاکی، محمد و همکاران، ۱۳۹۶، *سبک زندگی اسلامی*، چ چهارم، قم، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴، *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران، آفتاب توسعه.

صدر المتألهین با پذیرش تفاوت‌های شخصی میان انسان‌ها در پیمودن مسیر زندگی (صدر المتألهین، ۱۳۵۴، ص ۵۰۱)، همه آنها را داخل در نوع انسانی (صدر المتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۲۲۹) و بالتبع واجد قوه و قابلیت استکمال و حرکت تا مرتبه عقل می‌شمارد و در این مسئله تفاوتی میان یک جنین و یک انسان سالخورده، نژادها و قومیت‌های مختلف و یا حتی مسلمان و کافر وجود ندارد. اصل وجود چنین قابلیت‌هایی هر چند هنوز به فعلیت نرسیده باشد، موجب اهمیت و ارزشمندی نوع انسانی در دنیاست. از این رو کمک به سلامت و سعادت همه انسان‌ها، در انسان‌شناسی صدرایی از مهم‌ترین موضوعات تعاون و همکاری اجتماعی به‌شمار می‌رود (رضائزاد، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۶۴۳). از منظر صدر المتألهین مدارا و کمک به سایر انسان‌ها در حقیقت کمک به تحقق مدینه فاضله و به عبارت دیگر تحقق سبک زندگی مطلوب است.

علاوه بر موارد فوق صدر المتألهین آراستگی خیالی را از ویژگی‌های رسول و فرستادگان الهی می‌شمارد و می‌نویسد: «آن یکنون له قدرة بلسانه علی جودة التخیل بالقول لکل ما یعلمه و قدرة علی حسن الإرشاد و الهدایة إلی السعادة و إلی الأعمال التی تبلغ بها السعادة» (صدر المتألهین، ۱۳۷۵ الف، ج ۱، ص ۳۵۶؛ همو، ۱۳۵۴، ص ۴۹۳).

در مورد زیبایی عقلی و جایگاه آن در زندگی بشر جریان متفاوت است. همچنان که بیان شد، زیبایی‌های عقلی همان مطلوبات فطرت سلیم انسانی هستند. در حکمت صدرایی سلوک در طریق فطرت یکی از بهترین راه‌ها برای استکمال انسان و هدایت او به سوی مرتبه عالی خویش، یعنی مدرکات عالی عقل نظری (سعادت عقلی) شمرده شده است (صدر المتألهین، ۱۳۵۴، ص ۴۵۴). از منظر صدر المتألهین پیروی از فطرت یکی از روش‌های وصول به مرتبه عقل و نیز سلامت روح انسانی است (صدر المتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵-۱۴۷). انسانی که با حفظ فطرت از آلودگی‌ها، لطافت و اصالت آن را حفظ کند، لایق دریافت نور الهی و اشراقات عالم غیب می‌شود و به عبارت دیگر چنین نفسی لایق وصول به حد اعلا عقل نظری و حد اعلا انسانیت خواهد بود (صدر المتألهین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷).

از این رو ترویج و گسترش زیبایی‌های عقلی در جامعه اسلامی و تأکید بر اهمیت و اولویت آنها نسبت به سایر انواع زیبایی، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر وصول آحاد مردم، به حیات عالی انسانی و یا سبک زندگی مطلوب و متناسب با حقیقت وجودی انسان خواهد داشت.

- شیروانی، علی، ۱۳۹۴، *کلیات فلسفه*، چ دوم، قم، هاجر.
- صدرالمتألهین، ۱۳۴۱، *العرشیه*، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- _____، ۱۳۵۴، *المبدأ والمعاد*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- _____، ۱۳۶۰، *اسرار الآیات*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- _____، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی و انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- _____، ۱۳۶۸، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، قم، مصطفوی.
- _____، ۱۳۷۵ الف، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- _____، ۱۳۷۵ ب، *مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین*، تهران، حکمت.
- _____، ۱۳۷۸، *سه رساله فلسفی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۸۱، *کسرأصنام الجاهلیه*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____، ۱۳۸۲، *تسرح و تعلیقه صدرالمتألهین بر الهیات شفا*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- _____، ۱۹۸۱ م، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، تعلیقه ملاحادی سبزواری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۰، *علل الشراعیع*، ترجمه سیدمحمدجواد ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- فضیحی، امان الله و دیگران، ۱۳۹۴، *شاخص های سبک زندگی اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۳، *تسرح جلد هشتم اسفار*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار*، چ هفتم، تهران، صدرا.
- مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۹۳، *دین و سبک زندگی* (مطالعه موردی شرکت کنندگان در جلسات مذهبی)، چ پنجم، تهران، دانشگاه امام صادق.